

علم أصول الفقه

٤٧

٧-١١-٩٣ ظهور

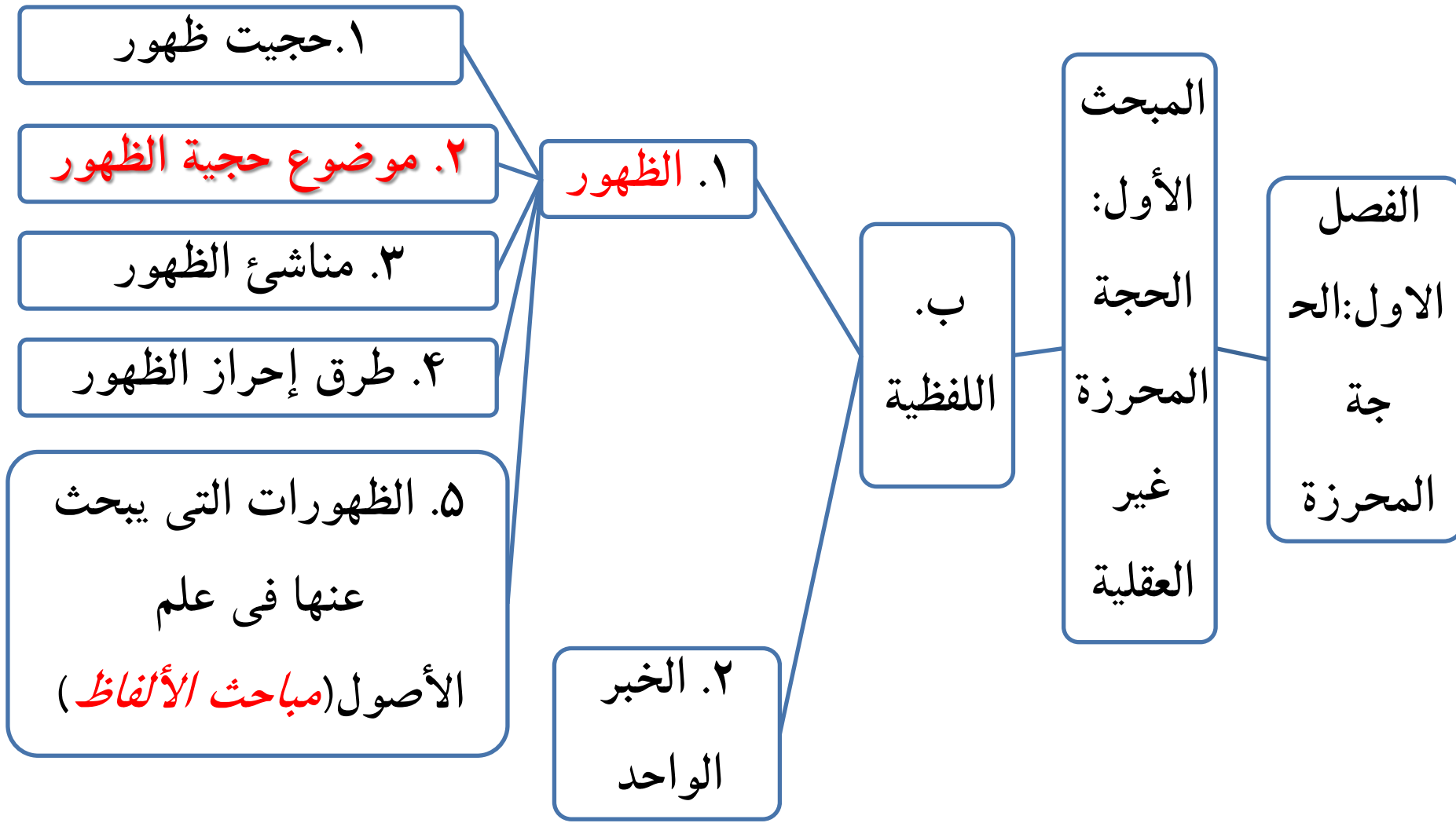
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

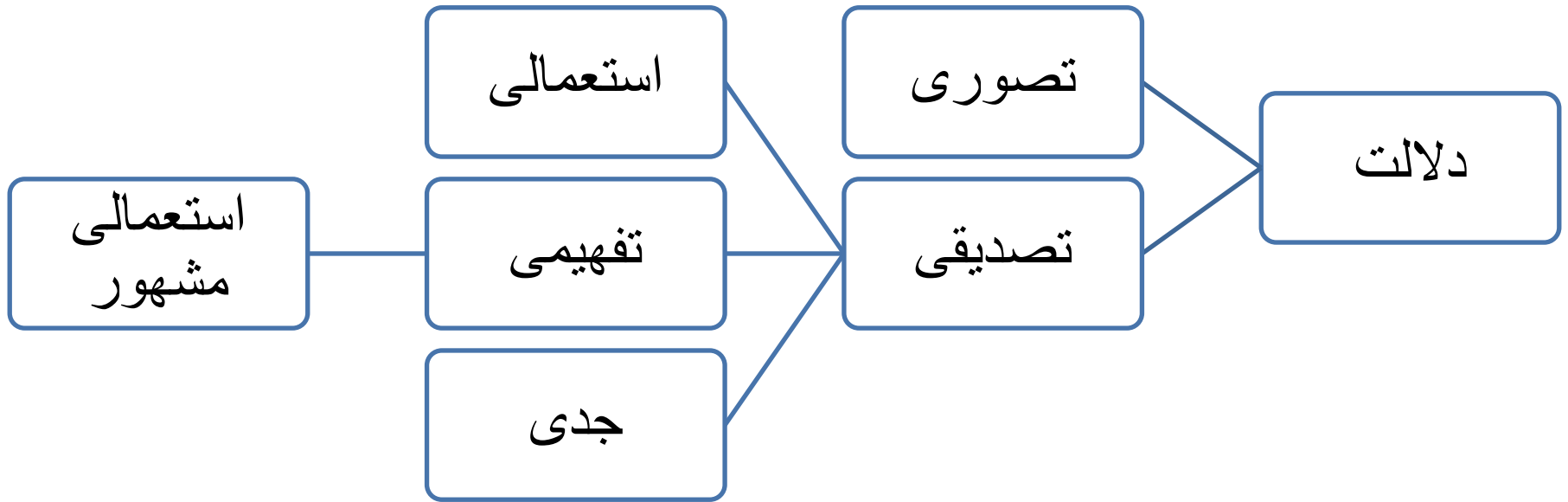
• وَ يَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ
(٦٢)

• قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا
أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ
(٦٣)

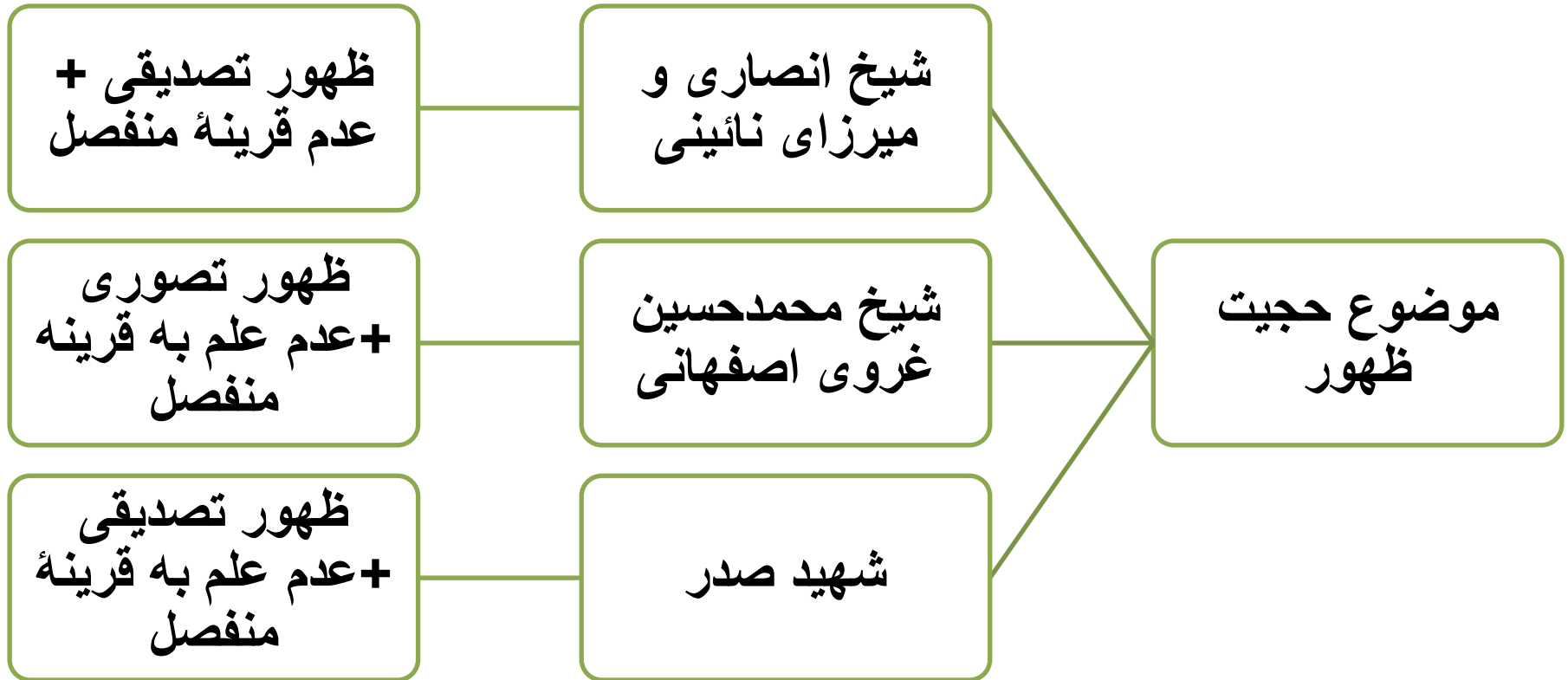
• وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا
الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ (٦٤)

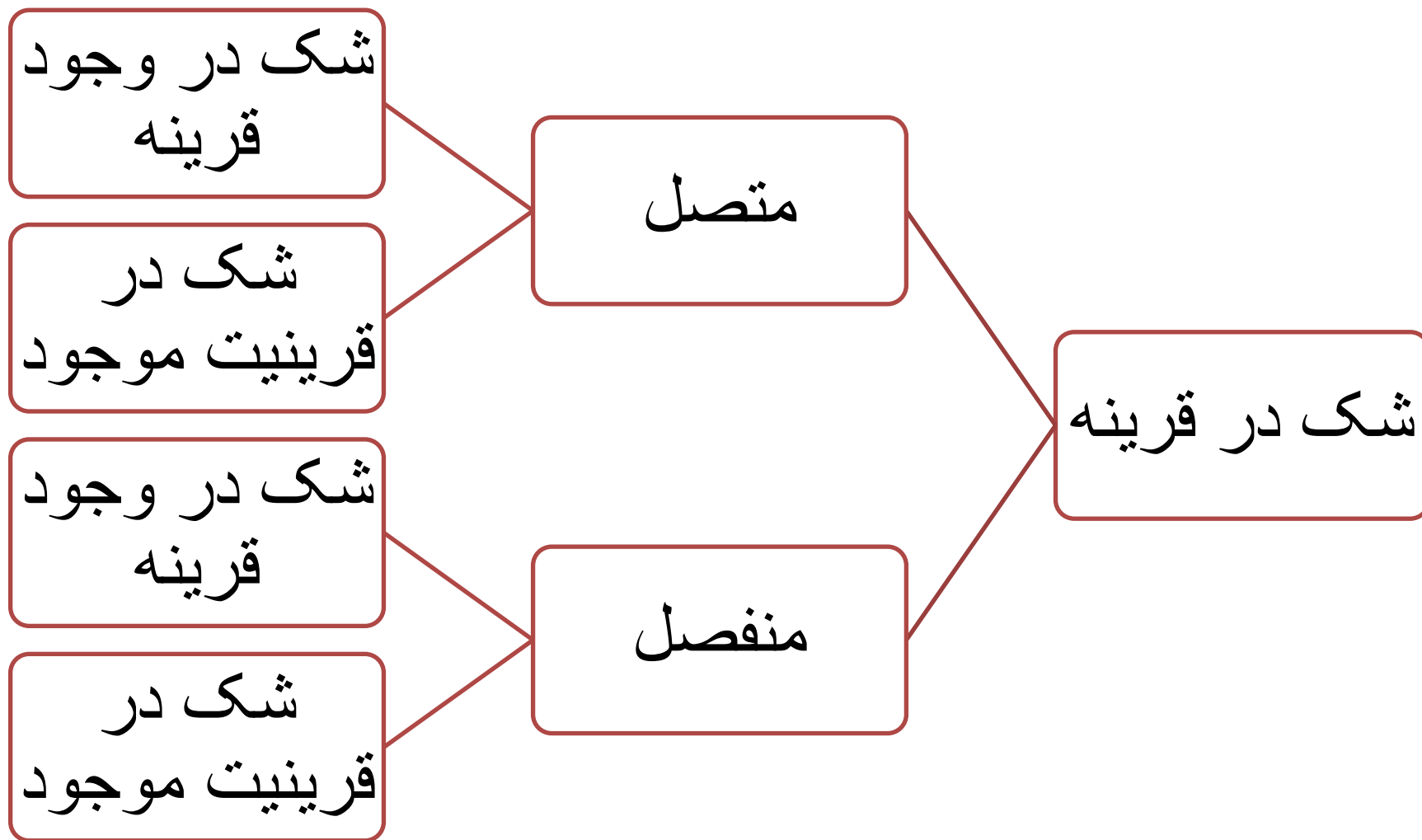


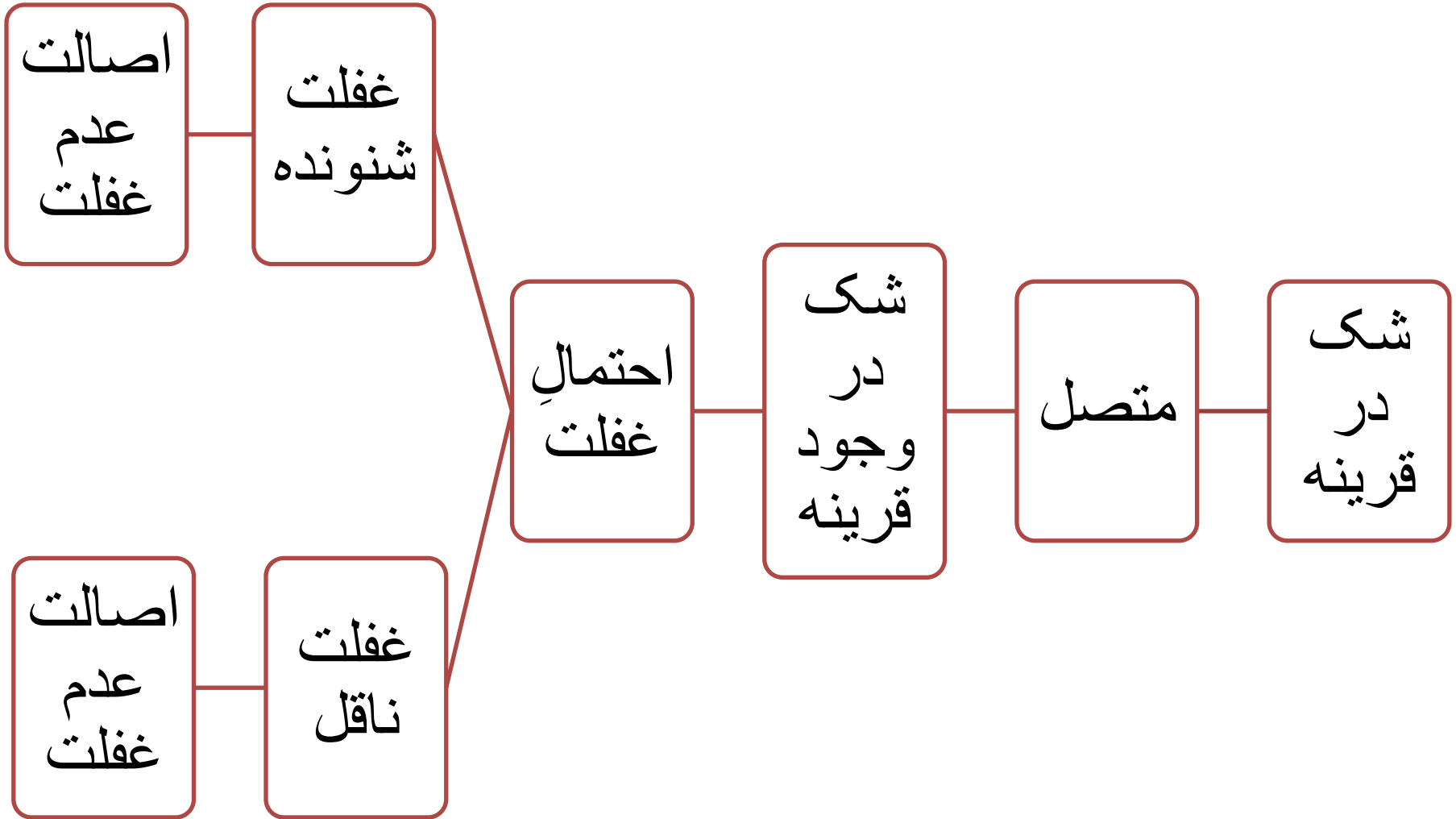
تقسيم شهيد صدر

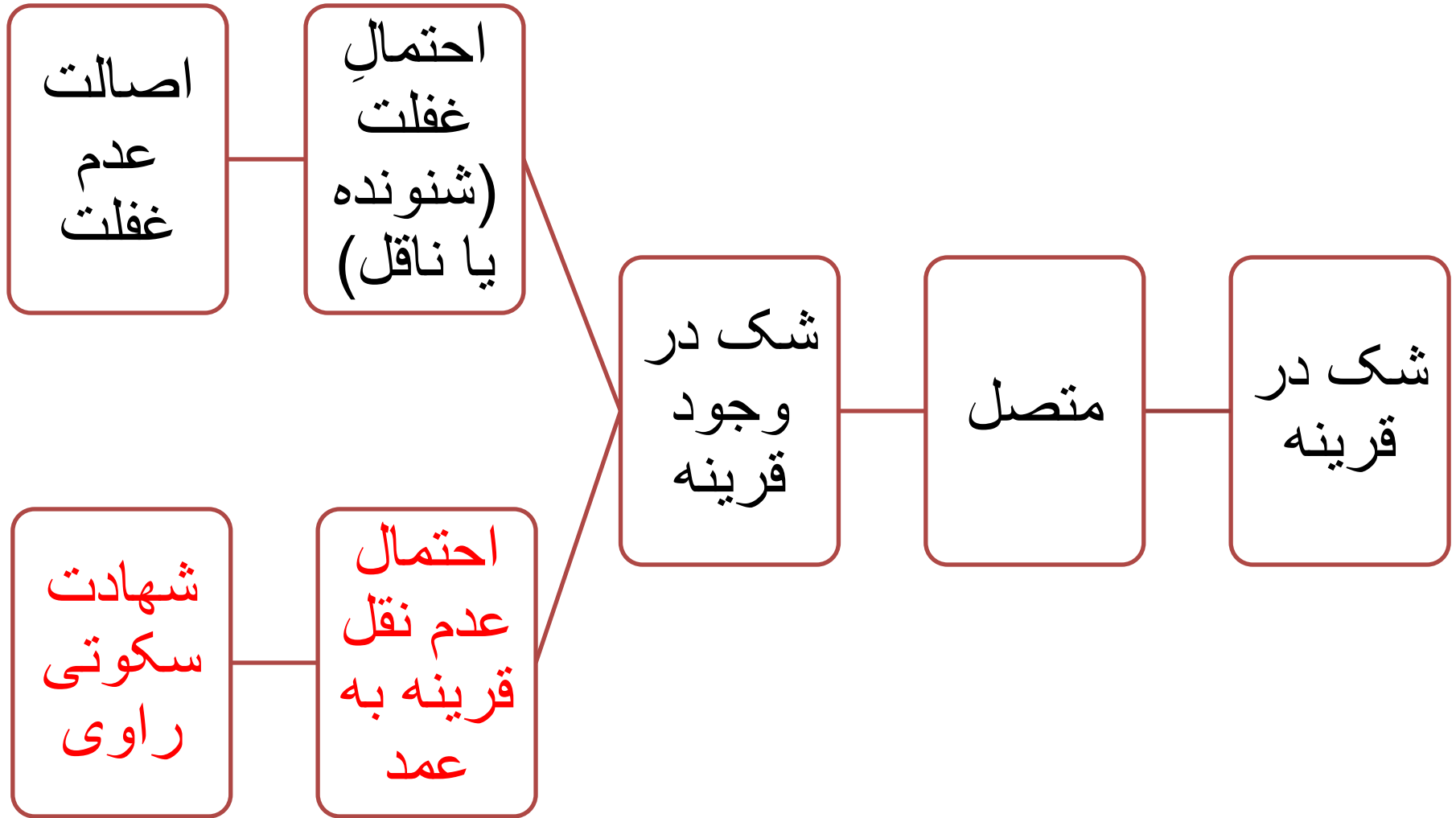


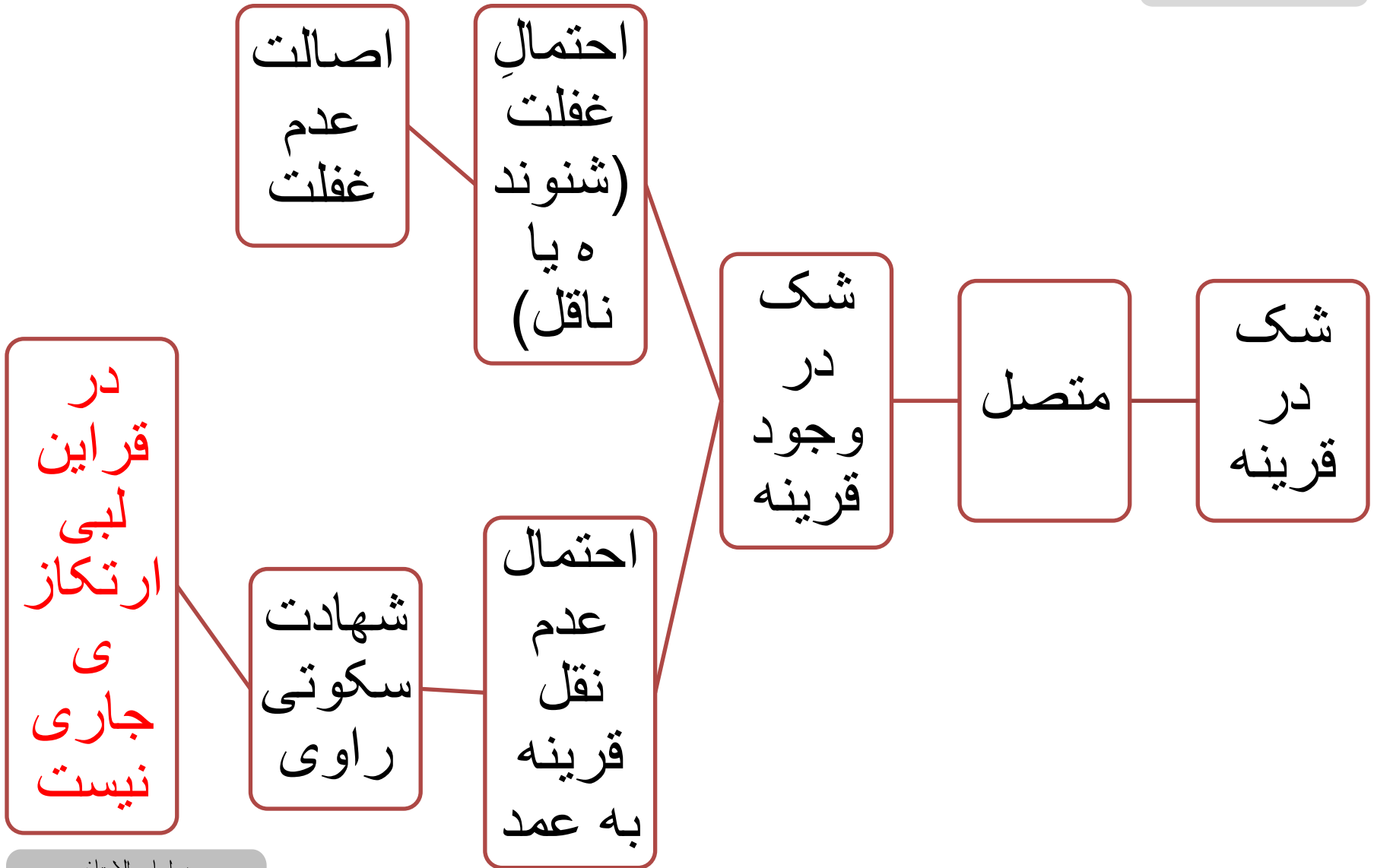
دیدگاه‌های مختلف در موضوع حجیت ظهور

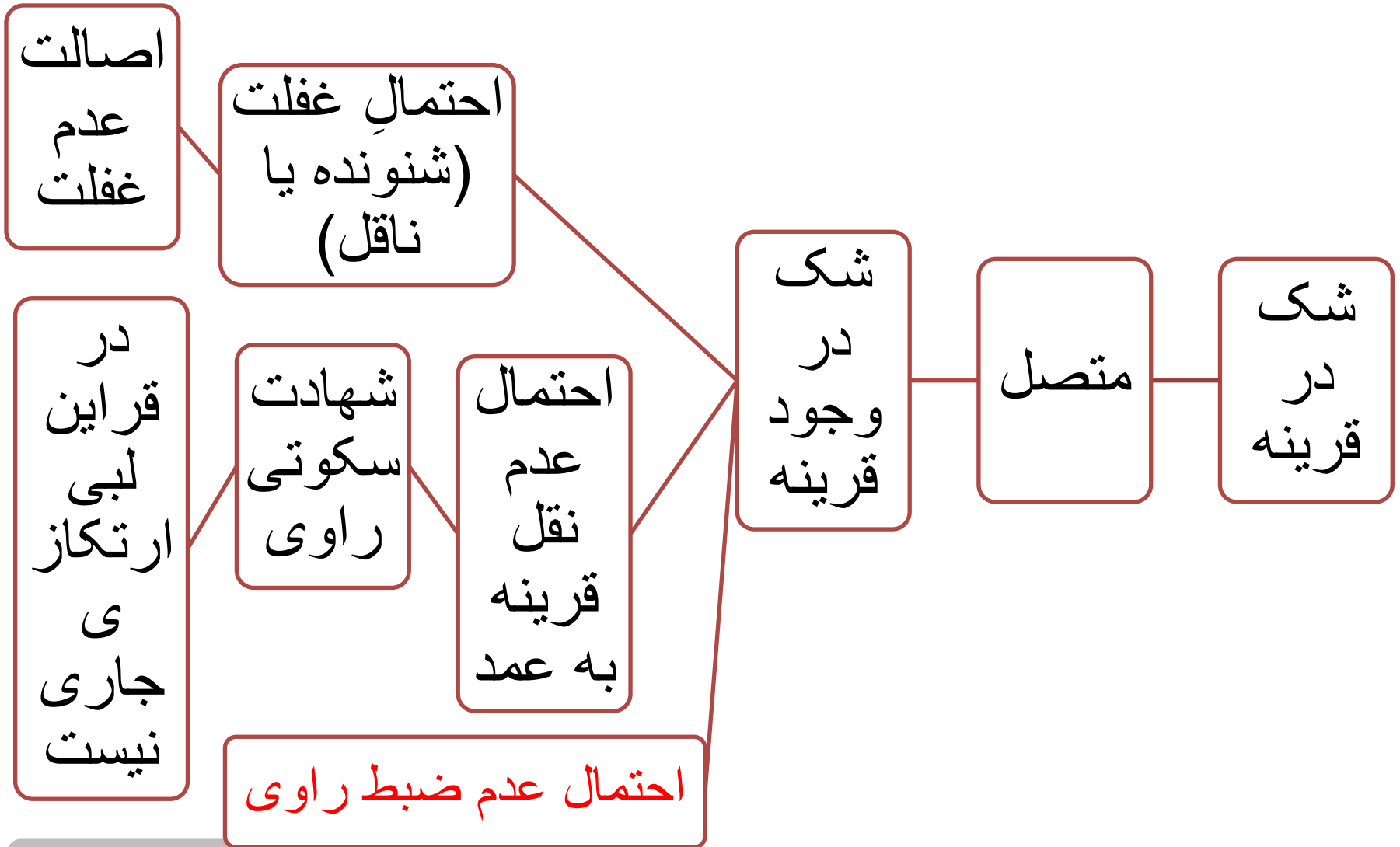












دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه
- نظریه شهید صدر رضوان الله علیه در بحث وضع مبتنی بر نظریه پائولوف (انعکاس شرطی) است.
- وی معتقد است **وضع نوعی انعکاس شرطی** است.
- شخص به محض اینکه لفظ را شنید، به معنا منتقل می‌شود و اینکه لفظ از چه مصدری نشأت گرفته باشد، دخالتی در این انتقال ندارد؛ چه گوینده‌ای باشد و چه نباشد و چه گوینده دارای شعور باشد و چه فاقد شعور.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

• جزء اول

- جزء اول را از این باب پذیرفتیم که احتمال دیگر یعنی ظهور تصویری نمی‌تواند جزء موضوع حجیت باشد؛ چون ظهور تصویری جز یک تصور نیست و صرفاً یک علقه و ارتباط تکوینی است و تصدیقی و اذعانی به همراه ندارد؛ زیرا کاشف از اراده‌ای ماوراء خودش نیست تا ما نسبت به آن امر مکشوف اذعان و تصدیقی داشته باشیم مرتبه‌ای از کشف به معنای اینکه بخلاف دلالت تصدیقی که در آن تصدیق و اذعان وجود دارد.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله عليه

- یک محکی ورای این حاکی هست که از رهگذر این حاکی نسبت به آن محکی اذعانی پیدا می‌کنیم.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- بدون شک دلالت تصویری مقدمه دلالت تصدیقی است همچنان که تصور مقدمه تصدیق است. پس اگر ظهور تصویری نباشد، اصلاً ظهور تصدیقی پیدا نمی‌شود؛
- چون ابتدا باید از لفظی که برای معنایی وضع شده است، به آن معنای موضوع له منتقل شویم. سپس از اراده گوینده ذی شعور و شکل‌گیری ظهور تصدیقی سخن بگوییم.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- حتی پایین ترین مرحله ظهور تصدیقی یعنی ظهور استعمالی تابع ظهور تصویری است؛ چون ظهور استعمالی این است که گوینده لفظ را از آن جهت که صلاحیت دلالت بر این معنا را دارد، استعمال کند و وقتی لفظ، صلاحیت دلالت دارد که برای آن معنا وضع شده باشد.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- ظهور تصدیقی است که با توجه به توضیحی که در باب حجیت دادیم، عبارت است از ظهور جدی یعنی مدلول جدی. برای انعقاد این ظهور تصدیقی باید قرینه متصل در کلام نباشد؛ البته گاهی قرینه متصل در مرحله قبل از ظهور جدی دخالت دارد و گاهی قرینه متصل فقط در ظهور جدی تصرف می‌کند.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- وقتی لفظ را به صورت مجاز به کار می‌بریم و قرینه‌ای بر مجاز می‌آوریم، این قرینه قبل از مرحله مراد جدی و در مرحله مراد استعمالی - در اصطلاح مشهور - اثر می‌گذارد یا در اصطلاح شهید صدر رضوان الله علیه در مرحله مراد تفهیمی اثر می‌گذارد؛ چون قرینه بر مجاز نشان می‌دهد که متکلم چیزی را که می‌خواهد به ذهن مخاطب خود خطور دهد، معنای حقیقی نیست، بلکه معنای مجازی است. قهراً وقتی در مدلول تفهیمی تصرف شد، مدلول جدی هم تغییر خواهد کرد.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- گاهی قرینه متصل، در مدلول جدی تصرف می‌کند بدون اینکه در مرحله قبل از آن تغییری ایجاد کند. تخصیص عام یا تقیید مطلق از این قبیل است. وقتی متکلم می‌گوید «أكرم العلماء إلا الفساق منهم» استثناء «الفساق» باعث نمی‌شود مدلول استعمالی یا تفهیمی «العلماء» تغییر کند؛ اما مدلول جدی آن را تغییر می‌دهد. در نتیجه مدلول جدی، وجوب اکرام عالمانی است که فاسق نیستند یعنی همان عالمان عادل.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- بنابراین با آمدن قرینه، مدلول جدی تغییر می‌کند. در نتیجه ظهور منعقد شده و کشف رخ داده متفاوت می‌شود.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- جزء دوم
- جزء دوم موضوع حجیت ظهور در نظر شهید صدر رضوان الله علیه عبارت است از عدم علم به قرینه منفصل؛ یعنی اطلاع نداشته باشیم که آیا متکلم به صورت جداگانه قرینه‌ای بر تعیین مراد جدی خودش آورده است یا نه. اگر به صورت منفصل قرینه‌ای آورد، این قرینه ظهور آن عبارت قبلی‌اش را از بین نمی‌برد.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- وقتی متکلم بگوید: «أكرم العلما»، این سخن ظاهر در عموم است؛ یعنی کشف می‌کند که او خواهان اکرام همه عالمان است. وقتی که در یک عبارت جداگانه می‌گوید: «لا تكرم عالم الفاسق»، این عبارت ظاهر در این است که متکلم خواهان اکرام عالمان فاسق نیست. و این دو ظهور با هم تنافی پیدا می‌کند.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله عليه

- در اینجا ظهور خاص باعث می شود ظهور عام در حوزه خاص، حجیت خود را از دست بدهد؛ یعنی گرچه در ابتدا به نظر می رسد که متکلم با گفتن «أكرم العلماء» خواهان اکرام همه عالمان عادل و فاسق است، با ورود «لا تكرم العالم الفاسق» حجیت «أكرم العلماء» در ناحیه عالمان فاسق از بین می رود؛ یعنی دیگر نمی توانیم بگوییم متکلم خواهان اکرام عالمان فاسق هم است و این معنا را بر عهده متکلم بگذاریم.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- در بحث عام و خاص خواهیم گفت که در تقدم خاص بر عام دو مبنا وجود دارد: یک مبنا این است که خاص اظهر از عام است. در نتیجه خاص از باب تقدم اظهر بر ظاهر بر عام مقدم می‌شود. مبنای دوم این است که خاص قرینه عرفی بر تعیین مراد از عام است در حالی که عام قرینه عرفی بر تعیین مراد از خاص نیست. بنابراین خاص از باب قرینیت بر عام مقدم می‌شود. در آن بحث توضیح خواهیم داد که مبنای قرینیت درست است.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- چرا می‌گوییم عدم علم به قرینه منفصل و نمی‌گوییم عدم قرینه منفصل؟ در اینجا دو تقریر وجود دارد:

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- بحوث فی علم الأصول، ج ۱، ص ۸۱ - ۸۳.
- به همین جهت لفظ مهمل - در اصطلاح ادبیات عرب - دلالت تصویری ندارد. پس دلالت تصدیقی هم ندارد.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۶۷.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم
- ایشان فرمودند اصلاً عدم قرینه واقعی نمی تواند جزء موضوع حجیت ظهور باشد و چنین چیزی عقلاً محال است؛ زیرا ظهور، یک امر علمی است و به عالم اثبات و عالم کشف مربوط می شود در حالی که عدم قرینه در عالم واقع، یک امر ثبوتی است و احکام مرتبه ثبوت با مرتبه اثبات متفاوت است. از جمله اینکه یک امر ثبوتی نمی تواند در چیزی که در مرتبه اثبات قرار دارد به صورت شرط اخذ شود.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- در حقیقت ایشان می فرماید وقتی می گوئیم ظهور حجت است، حجت امری است که به عالم کشف مربوط می شود.
- پس ما با حجت می خواهیم چیزی را کشف کنیم و نمی تواند چیزی در آن شرط شود که خودش از سنخ کشف و علم نیست و عدم قرینه یک امر واقعی است و ربطی به علم من ندارد.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- بنابراین چیزی که در مرحله اثبات می تواند قرار بگیرد، عدم علم به قرینه است نه عدم قرینه.
- عدم علم به قرینه مثل علم به قرینه امری مربوط به عالم اثبات و کشف است؛ چون از نظر فلسفی هر چیزی که در یک مرتبه باشد، عدم آن هم در همان مرتبه محسوب می شود.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- بنابراین اگر علم در مرتبه عالم کشف و اثبات است، عدم علم هم در همان مرتبه است و متعلق علم یعنی آن چیزی که علم به آن تعلق می‌گیرد، اگر در مرحله ثبوت است، عدمش هم در مرحله ثبوت است. بنابراین چون قرینه یک امر ثبوتی است، عدم قرینه هم یک امر ثبوتی خواهد بود.

تقرير اصفهانی رضوان الله عليه از دليل جزء دوم

- اشکال شهيد صدر رضوان الله عليه بر تقرير اصفهانی رضوان الله عليه
- شهيد صدر رضوان الله عليه یک اشکال مبنایی و یک اشکال بنایی بر اصفهانی رضوان الله عليه وارد کرده‌اند:

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- اشکال بنایی
- بنا بر نظر اصفهانی رضوان الله علیه موضوع حجیت دو جزء است: ظهور تصویری و عدم علم به قرینه.
- با توجه به بحث قبلی هر دو جزء باید در مرتبه اثبات و کشف باشد باشند تا بتواند به صورت اجزاء در موضوع حجیت ظهور اخذ شوند در حالی که ظهور تصویری در این مرتبه نیست.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- این اشکال بنایی وارد نیست؛ البته خود شهید صدر رضوان الله علیه هم توجه داشتند و جواب دادند که ظهور چه تصدیقی و چه تصویری مربوط به مرتبه علم است؛ چون اصلاً این علم حصولی است که به تصویری و تصدیقی تقسیم می شود.
- اگر در مباحث گذشته گفتیم ظهور تصویری کاشف نیست، مقصود همان است که شهید صدر رضوان الله علیه هم اشاره کردند؛ یعنی ظهور کاشف از وجود یک گوینده دارای اراده نیست و از اراده‌ای مخبر نمی دهد.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- اشکال مبنایی
- شهید صدر رضوان الله علیه می گوید بیان اصفهانی رضوان الله علیه مبتنی است بر مبنای ایشان که ما با آن مبنی مخالفیم.
- بنابراین چون با مبنا مخالفیم، آن بیان هم مورد قبول ما نیست.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- اصفهانی رضوان الله علیه گمان کرده است که وقتی یک سیره عقلائی به امضای شارع می رسد، بخش امضا شده فقط مقداری است که در عمل عقلا ظهور و بروز پیدا کرده است؛ یعنی ایشان امضا را ناظر به عمل خارجی عقلا می داند.
- شهید صدر رضوان الله علیه می فرمایند ما معتقدیم شارع صرفاً عمل خارجی را نمی پذیرد، بلکه نکته ای را هم که منشأ پیدایش این عمل شده است، امضا می کند.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- در واقع عقلا دیدگاهی داشته‌اند که باعث شده است چنین عمل کنند. قبلاً گفتیم ما معمولاً به آن دسته از سیره‌های عقلائی دسترسی پیدا می‌کنیم که مبتنی بر یک ارتکاز عقلایی باشد. آنگاه وقتی که شارع امضا می‌کند، در حقیقت آن ارتکاز را امضا می‌کند که عمل خارجی از آن ارتکاز نشأت گرفته است.

تقریر اصفهانی رضوان الله عليه از دلیل جزء دوم

- یکی از مهم ترین فرق های این دو نظریه در این است که اگر بگوییم شارع فقط چیزی را امضا می کند که در خارج تحقق پیدا کرده است، امضا محدود می شود به مصادیقی که در زمان شارع وجود داشته است و اگر گفتیم شارع ارتکاز را امضا می کند، در این صورت مصادیقی را که حتی در زمان شارع وجود نداشته است یا نمی دانیم بوده است یا نه، شامل می شود.

تقریر اصفهانی رضوان الله عليه از دلیل جزء دوم

- بعد ایشان می فرماید اینکه مرحوم اصفهانی می فرماید عدم علم به قرینه، شرط است بدان سبب است که در عمل خارجی مکلفین عدم علم به قرینه معیار حجیت بوده است.
- ما معتقدیم شارع ارتکاز را امضا می کند نه سیره را. بنابراین این بیان اصفهانی رضوان الله عليه را نمی توانیم بگوییم.

تقرير اصفهانی رضوان الله عليه از دليل جزء دوم

- جواب اشکال مبنایی

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- به نظر من اصلاً مبنای اصفهانی رضوان الله علیه ارتباطی به این ندارد که آیا امضای شارع، امضای عمل خارجی است یا امضای ارتکاز ذهنی.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- مرحوم اصفهانی یک برهانی عقلی اقامه کرده است و اینکه متعلق امضا چه چیزی باشد، برای وی مهم نیست.
- هر دو می‌گویند عدم علم به قرینه شرط است با این تفاوت که اصفهانی رضوان الله علیه می‌گوید عدم قرینه نمی‌تواند شرط باشد؛ چون عقلاً محال است و شهید صدر رضوان الله علیه می‌گوید عقلاً استحاله‌ای ندارد و با تحلیل ارتکاز عقلاً می‌بینیم چیزی که شرط است، عدم علم به قرینه است.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- نکته‌ای که گویا در ذهن شهید صدر رضوان الله علیه هست این است که حجیت را یک امر اعتباری است و در واقع شارع آن اعتبار را امضا کرده است در حالی که بحث مرحوم اصفهانی به تکوینیات مربوط می‌شود و در تکوینیات است که یک چیزی که در یک صقع قرار دارد نمی‌تواند شرط چیزی باشد که در صقع دیگری است.
- در واقع شهید صدر رضوان الله علیه می‌خواهد بگوید مرحوم اصفهانی بین احکام اعتباریات و تکوینیات خلط کرده است.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- دقت شود که مرحوم اصفهانی این بحث را با قطع نظر از متصل بودن یا منفصل بودن قرینه مطرح می‌کند. در حقیقت استدلال ایشان هر دو نوع قرینه را شامل می‌شود.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- تأملات در علم اصول فقه، کتاب دوم، دفتر اول، بحث سیره و ارتکاز.
- ایشان خیلی سعی کرده است این مطلب را توضیح دهد و بیش از آن مقدار که عرض کردم، نگفته است. در تقریرات آیت الله هاشمی شاهرودی حفظه الله و تقریرات آیت الله حائری حفظه الله همین مقدار بیان شده است. (بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۶۸ - ۲۶۹؛ مباحث الأصول، ج ۲، ص ۱۶۷)
- علامه طباطبائی رضوان الله علیه هم مکرر اشکال می‌کنند که اصولی‌های ما بین تکوینیات و اعتباریات خلط کرده‌اند و احکام تکوینیات را به اعتباریات سرایت داده‌اند.

تقریر شهید صدر رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- تقریر شهید صدر رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم
- ایشان می فرماید اگر موضوع حجیت، عدم قرینه باشد، باید عدم قرینه را احراز کنیم؛ زیرا مادامی که احراز نشده باشد، حجتی نخواهیم داشت.

تقریر شهید صدر رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- این سؤال مطرح می شود که عدم قرینه را چگونه می توان احراز کرد.
- اگر بگوییم عقلا تنها در جایی ظاهر سخن را حجت می دانند که به نبود قرینه منفصل علم دارند، معنایش این است که باید باب حجت ظهور را ببندیم؛ زیرا می دانیم در اکثر مواردی که عقلا به ظواهر تمسک می کنند نسبت به عدم قرینه منفصل علم وجدانی ندارند.

تقریر شهید صدر رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- میرزای نائینی رضوان الله علیه فرمودند با اصل عدم قرینه احراز می‌کنیم. شهید صدر رضوان الله علیه فرمودند این اصل عدم قرینه اصل تعبدی عقلایی نیست که عقلا یک بنایی بدون دلیل و نکته داشته باشند و بقیه هم از روی تعبد گوش بدهند. تعبدات این چنینی در حوزه مولویت شرعی معنا دارد؛ ولی در حوزه عقلایی معنا ندارد.

تقریر شهید صدر رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- ایشان می فرمایند روح اصل عدم قرینه به أصالة الظهور برمی گردد؛ یعنی عقلا اصل مستقلى به نام اصل عدم قرینه ندارند، بلکه این مطلب را از ظهور حال متکلم به دست می آورند. می گویند از نظر عقلا اگر متکلم در مقام بیان باشد، همة مقصود خودش را با همین عبارت بیان می کند؛

تقریر شهید صدر رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- به عبارت دیگر این متکلمی که در مقام بیان و دارای شعور و حکمت است و جدی سخن می گوید، ظاهر حالش این است که اگر می خواست چیزی را در ناحیه مدلول جدی اراده کند با آوردن قرینه متصل آن را بیان می کرد و اینکه احتمال دارد با قرینه منفصل مراد نهایی خودش را بیان کرده باشد، خلاف ظاهر حال یک متکلم است. پس همین که در این عبارت قرینه ای نیامده است، ظهور دارد بر اینکه این کلام قرینه منفصلی هم ندارد.

تقریر شهید صدر رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- بنابراین بخلاف نائینی رضوان الله علیه که می فرمودند اصل عدم قرینه مقدم بر أصالة الظهور است، شهید صدر رضوان الله علیه و اصفهانی رضوان الله علیه معتقدند که در طول آن است، بلکه به تعبیر مظفر رضوان الله علیه و خود شهید صدر رضوان الله علیه به تقریر آقای حائری - حفظه الله بیان دیگری از أصالة الظهور است.
- بنابراین دو اصل نیستند تا یک بر دیگری مقدم گردد.

تقرير شهيد صدر رضوان الله عليه از دليل جزء دوم

- این همان حرف مرحوم مظفر در اصول فقه بر اساس مبنای مرحوم اصفهانی، با توضیح شهيد صدر رضوان الله عليه است.
- مباحث الأصول، ج ۲، ص ۱۷۰.